

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

خاص تر شدن

برای خدا

تلاشی برای فهم سوره مبارکه معارج

کاری از:

مدرسه دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

پرده دوم ، پرهیز از دردخواهی

مگر می شود کسی درد بخواهد!

مراقبت از عذاب خواه نشدن ...

سؤال کننده‌ای [از کفار] عذابی حتمی را درخواست کرد. (۱)	سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱)
که مخصوص کافران است و دفع کننده‌ای ندارد. (۲)	لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)
و از جانب خدای صاحب درجات است. (۳)	مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ (۳)

عذاب خواهی یعنی اینکه فرد به درد و رنج خو کند، به پیشرفت و تعالی میل نداشته باشد. این حالت در صورتی اتفاق می‌افتد که فرد توان‌های درونی خود را فراموش کند. همچنین نعمت‌هایی که در اختیار دارد را ناسپاسی کند.

کفر عذاب آور است. کفر یعنی ندیدن توان‌ها و نعمت‌ها و پوشاندن آنها.

عذاب یعنی دردی که از جاماندن از کمال برای فرد حاصل می‌شود به همین دلیل از ناحیه همان خدایی است که افراد می‌توانند به درجات مختلف قرب به او برسند.

اگر کسی خدا را ذی المعارج بداند در واقع به امکان خاص شدن خود نزد او واقف شده است. در این صورت است که می‌تواند درخواست‌های خوب و در راستای کمال داشته باشد.

دیده‌بانی

برای دوری از ضرر زدن به خود...

با قدری تأمل هرکسی تصدیق می‌کند که:

هیچ انسان متعادلی، دنبال ضرر کردن و آسیب دیدن نیستند:

- کارگرها برای اینکه مزد نگیرند کار نمی‌کنند.
- مراجعه کنندگان به دادگاه‌ها تلاش نمی‌کنند که محکوم و متضرر شوند.
- کاسب‌ها و بازاری‌ها برای اینکه سود نکنند تلاش نمی‌کنند.
- کشاورزان برای اینکه محصولاتشان کم باشد یا از بین برود سختی نمی‌کشند.
- دانش‌آموزان برای نمره ضعیف گرفتن درس نمی‌خوانند.

حتی انسان‌های نامتعادل نیز به فکر ضرر دیدن نیستند، به عنوان نمونه دزدها و تبهکاران برای این دزدی و تبهکاری نمی‌کنند که چیزی گیرشان نیاید. مشکل دزد و تبهکار در این است که منافع خودخواهانه خود را بر منافع جمعی و حقیقی ترجیح می‌دهد و به این فکر نمی‌کند که آنچه به عنوان سود به دست آورده در نهایت به ضرر اوست. با این وصف چه باور کنیم و چه باور نکنیم، دیده‌ایم برخی علیه خودشان کار می‌کنند و تا خود را نابود نکنند دست بر نمی‌دارند!!

راستی چرا و چگونه چنین اتفاقی می‌افتد؟!

- شاید به دلیل اینست که فرد به شدت از رسیدن به مقصدهای عالی ناامید می‌شود و هیچ فتح و پیروزی خوشحالش نمی‌کند.
- شاید نمی‌تواند موقعیت خود را درک کند و نعمت‌هایی که خداوند به او داده است را ببیند و فقط به نداشته‌هایش نگاه می‌کند.
- شاید خود را با دیگران مقایسه می‌کند و به دلیل اینکه خود را از بسیاری از موقعیت‌ها محروم می‌داند ناچیز و حقیر می‌شمارد.
- شاید نمی‌داند خداوند مشکلات و تحولات زندگی را بهانه‌ای برای اوج گرفتن و نزدیک شدن به خودش قرار داده است و به محض برخورد با مشکلی کم حوصله می‌شود و از اوج گرفتن منصرف می‌گردد.
- اینکه چه می‌شود که برخی افراد با کارها و فکرهایشان، برای خود درخواست ضرر و بیچاره شدن می‌کنند، سوالی است که پاسخ به آن گره از بسیاری مشکلات باز می‌کند.

اصل جواب را می‌توان در این جستجو کرد که:

«اگر کسی قدر و اندازه خود را نداند، تمایلش به جای خیرخواهی به بلاخواهی سوق پیدا می‌کند، زیرا نمی‌تواند قدر و ارزش توان‌های خود و نیز افرادی که می‌توانند کمک‌کار او باشند را درک کند.»

حضرت امیر علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

مَنْ جَهَلَ قَدْرَهُ جَهَلَ كُلَّ قَدْرٍ.

هر کس قدر خود را نشناسد نسبت به هر ارزشی قدرنشاس است.

شناسایی

موقعیت‌های خطرآفرین ...

اتفاقی که در میان برخی آدم‌ها افتاده این است که آنها در انجام کارها و دلایلی که برای آن می‌آورند به شکلی پافشاری می‌کنند که حتی بعد از معلوم شدن غلط بودن آن نیز دست از آنها نمی‌کشند. گاهی حتی محاسبه و اثبات ضررها هم باعث نمی‌شود کوتاه بیایند و حرف حق را بشنوند؛ تا جایی که ممکن است بگویند: «هر چه می‌خواهد بشود، با آنکه می‌دانیم کارمان غلط است ولی دست از آن برنمی‌داریم؛ تا آخرش ایستاده ایم حتی اگر مجازات شویم یا جانمان را سر آن هزینه کنیم.»

انگار گرفتار نوعی از لج کردن و پافشاری و اصرار بر درخواست نادرست خود می‌شوند. و در برابر یک امر خوبی که دارد اتفاق می‌افتد فقط قسمت منفی و بدش نظرشان را جلب می‌کند.

این اتفاق گاهی برای خود ما هم افتاده است، که البته به دلایلی از آن بی‌خبریم و اگر جلوی آن را نگیریم ممکن است تکرار شود و ما را به موقعیت‌های خطر نزدیک کند. برای اینکه بتوانیم آنها را شناسایی کنیم خوب است به موقعیت‌های زیر توجه کنیم و وضعیت خود را در این موقعیت‌ها بسنجیم:

- وقتی می‌شنود که غذایی برایش ضرر دارد با اینکه می‌داند باز از خوردن آن غذا ابایی ندارد.

- وقتی می‌فهمد دیدن تصویری منع شده و نباید آن را ببیند از روی تجسس و دلایل دیگر آن را می‌بیند.

- وقتی به ضرر کاری واقف می‌شود ولی به دلیل دل‌بستگی به آن نمی‌تواند آن کار را رها کند.

.....

.....

.....

.....

همه موارد فوق با اینکه ظاهری عادی و ساده دارند ولی در واقع نمایی از پوشاندن منافع نعمت دارد و عاقبتش جز ضرر و عذاب چیز دیگری نخواهد بود. لذا باید بتوانیم به اندازه خودمان قدمی برداریم و از این روحیه بد دوری کنیم، برای این کار هم لازم است کارهای درست را که خدا ما را به آن امر کرده شناسایی کنیم و از همین امروز به آنها عمل کنیم.

عملیات

مقابله با خطر و خطرآفرینی ...

عملیات اول: برگزاری مسابقه اخلاق

تقریباً همه می دانند خوش اخلاقی خوب است و بد اخلاقی بد، ولی در عمل کمتر شاهد خوش اخلاقی هستیم و همین امر منجر به گسترش کدورت ها و ناراحتی هاست.

برای اینکه بتوانیم قدمی در مقابله با بی توجهی به این امر بديهي برداريم ترتيب مسابقه ورزشی با عنوان «مسابقه اخلاق» می دهيم. بدین ترتیب در ضمن مسابقه ورزشی به مفاد اخلاقی که لازم است مراعات شود به عنوان شرط برنده اشاره می شود.

برخی از خوش اخلاقی هایی که می تواند به عنوان شروط برنده حساب شود و تیمی داوری بر آن قضاوت می کند عبارتست از:

- همکاری خوب و از روی بردباری

- نداشتن پر خاش گری

-

-

-

-

عملیات دوم: مقابله با شیوه های غلط تغذیه

از آنجایی که یکی از وجوه ضرر رساندن ضرر رساندن به جسم است هر قدر ما بتوانیم افراد را از این امر دور کنیم می توانیم حس کرامت و بزرگی را در آنها بیفزاییم. به همین دلیل برگزاری برنامه هایی مانند همایش معرفی تغذیه مناسب و یا جشنواره غذای طیب با ارائه شروط لازم برای طیب بودن یک غذا می تواند افراد را نسبت به سلامت خود هوشیارتر کند.

عملیات سوم: برگزاری نمایشگاهی از آسیب های ضرر رساندن های به خود

در این نمایشگاه می توان از افرادی که دانسته به ضرر خود رفتار می کنند به شیوه هایی مانند طنز نقد کرد. البته نباید در این کار طعنه و سرزنشی وجود داشته باشد.

عملیات چهارم: ساخت و نمایش فیلمی مستند از فرد لجباز شکست خورده

این مستند می‌تواند از برنامه‌های آماده انتخاب شود و یا افراد خود آن را تهیه کنند. نتیجه ساخت و نمایش چنین فیلمی عبرت از عاقبت فردی است که در اثر لجبازی‌هایش محکوم به شکست شده است.

شهید همراه ما در عملیات

شهید مصطفی چمران

نیایش شهید دکتر مصطفی چمران قبل از شهادت برای یاری دوری از رنج‌های بیهوده و گرایش به دردهای ارزش مند

بسم الله الرحمن الرحيم

من اعتقاد دارم که خدای بزرگ انسان را به اندازه درد و رنجی که در راه خدا تحمل کرده است پاداش می‌دهد، و ارزش هر انسانی به اندازه درد و رنجی است که در این راه تحمل کرده است، و می‌بینیم که مردان خدا بیش از هر کس در زندگی خود گرفتار بلا و رنج و درد شده‌اند، علی بزرگ را بنگرید که خدای درد است که گویی بند بند وجودش با درد و رنج جوش خورده است. حسین را نظاره کنید که در دریایی از درد و شکنجه فرو رفت که نظیر آن در عالم دیده نشده است، و زینب کبری را ببینید که با درد و رنج انس گرفته است.

درد دل آدمی را بیدار می‌کند، روح را صفا می‌دهد، غرور و خود خواهی را نابود می‌کند. نخوت و فراموشی را از بین می‌برد، انسان را متوجه وجود خود می‌کند.

انسان گاهگاهی خود را فراموش می‌کند، فراموش می‌کند که بدن دارد، بدنی ضعیف و ناتوان که، در مقابل عالم و زمان کوچک و ناچیز و آسیب پذیر است، فراموش می‌کند که همیشگی نیست، و چند صباحی بیشتر نمی‌پاید، فراموش می‌کند که جسم مادی او نمی‌تواند با روح او هم پرواز شود، لذا این انسان احساس ابدیت و مطلقیت و غرور و قدرت می‌کند، سرمست پیروزی و اوج آمال و آرزوهای دور و دراز خود، بی‌خبر از حقیقت تلخ و واقعیت‌های عینی وجود، به پیش می‌تازد و از هیچ ظلم و ستم روگردان نمی‌شود. اما درد آدمی را به خود می‌آورد، حقیقت وجود او را به آدمی می‌فهماند و ضعف و زوال و ذلت خود را درک می‌کند و دست از غرور کبريایی برمی‌دارد، و معنی خود خواهی و مصلحت طلبی و غرور را می‌فهمد و آن را توجه نمی‌کند.

خدایا تورا شکر می‌کنم که با فقر آشنایم کردی تا رنج گرسنگان را بفهمم و فشار درونی نیازمندان را درک کنم.

خدایا هدایت‌کنم زیرا می‌دانم که گمراهی چه بلای خطرناکی است.

خدایا هدایت‌کنم که ظلم نکنم زیرا می‌دانم ظلم چه گناه نابخشودنی است.

خدایا ارشادم کن که بی‌انصافی نکنم زیرا کسی که انصاف ندارد، شرف ندارد.

خدایا راهنمایم باش تا حق کسی را ضایع نکنم که بی‌احترامی به یک انسان همانا کیفر خدای بزرگ است. خدایا مرا از بلای غرور و خود خواهی نجات ده تا حقایق وجود را ببینم و جمال زیبای تورا مشاهده کنم.

خدایا پستی دنیا و ناپایداری روزگار را همیشه در نظرم جلوه‌گر ساز تا فریب زرق و برق عالم خاکی مرا از یاد تو دور نکند.

خدایا من کوچکم، ضعیفم، ناچیزم، پرکاهی در مقابل طوفان‌ها هستم. به من دیده عبرت بین ده تا ناچیزی خود را ببینم و عظمت و جلال ترا به راستی بفهمم و به درستی تسبیح کنم.

ای حیات با تو وداع می‌کنم با همه زیبایی‌هایت، با همه مظاهر جلال و جبروت، با همه کوه‌ها و آسمان‌ها و دریاها و صحراها، با همه وجود وداع می‌کنم. با قلبی سوزان و غم‌آلود به سوی خدای خود می‌روم و از همه چیز چشم می‌پوشم. ای پاهای من، می‌دانم شما چابکید، می‌دانم که در همه مسابقه‌ها گوی سبقت از رقیبان ربوده‌اید، می‌دانم فداکارید، می‌دانم که به فرمان من مشتاقانه به سوی شهادت صاعقه‌وار به حرکت در می‌آئید، اما من آرزوئی بزرگتر دارم، من می‌خواهم که شما به بلندی طبع بلندم، به حرکت در آئید، به قدرت اراده آهنینم محکم باشید، به سرعت تصمیمات و طرح‌هایم سریع باشید. این پیکر کوچک ولی سنگین از آرزوها و نقشه‌ها و امیدها و مسئولیت‌ها را به سرعت مطلوب به هر نقطه دلخواه برسانید. ای پاهای من در این لحظات آخر عمر آبروی مرا حفظ کنید. شما سال‌های دراز به من خدمت کرده‌اید، از شما می‌خواهم که در این آخرین لحظه نیز وظیفه‌ی خود را به بهترین وجه ادا کنید. ای پاهای من سریع و توانا باشید، ای دست‌های من قوی و دقیق باشید، ای چشمان من تیزبین و هوشیار باشید، ای قلب من، این لحظات آخرین را تحمل کن، ای نفس، مرا ضعیف و ذلیل مگذار، چند لحظه بیشتر با قدرت و اراده صبور و توانا باش. به شما قول می‌دهم که چند لحظه دیگر همه شما در استراحتی عمیق و ابدی آرامش خود را برای همیشه بیابید و تلافی این عمر خسته‌کننده و این لحظات سخت و سنگین را دریافت کنید. چند لحظه دیگر به آرامش خواهید رسید، آرامشی ابدی. دیگر شما را زحمت نخواهم داد. دیگر شب و روز است شمارتان نخواهم کرد. دیگر فشار عالم و شکنجه روزگار را بر شما تحمیل نخواهم کرد. دیگر به شما بی‌خوابی نخواهم داد و شما دیگر از خستگی فریاد نخواهید کرد. از درد و شکنجه ضجه نخواهید زد. از گرسنگی و گرما و سرما شکوه نخواهید کرد. و برای همیشه در بستر نرم خاک، آرام و آسوده خواهید بود. اما این لحظات حساس، لحظات وداع با زندگی و عالم، لحظات لقای پروردگار، لحظات رقص من در برابر مرگ باید زیبا باشد.

خدایا! وجودم اشک شده، همه وجودم از اشک می‌جوشد، می‌لرزد، می‌سوزد و خاکستر می‌شود. اشک شده‌ام و دیگر هیچ، به من اجازه بده تا در جوارت قربانی شوم و بر خاک ریخته شوم و از وجود اشکم غنچه‌ای بشکفد که نسیم عشق و عرفان و فداکاری از آن سرچشمه بگیرد.

خدایا تو را شکر می‌کنم که باب شهادت را به روی بندگان خالصت گشوده‌ای تا هنگامی که همه راه‌ها بسته است و هیچ راهی جز ذلت و خفت و نکبت باقی نمانده است مسح توان دست به این باب شهادت زد و پیروزمند و پرافتخار به وصل خدائی رسید.

والسلام^۴

^۴ برگرفته از <http://www.rahekhoban.blogfa.com>

ثبت نتایج

در مقابله با ضرررسانی به خود...

نتایجی که از ثبت خوبی‌ها به دست می‌آید برای اغلب شیرین و گواراست. این ثبت می‌تواند به شیوه‌های مختلف صورت گیرد.

معرفی و تبلیغ ملاک‌های صحیح برنده بودن و تأکید بر اینکه همه باید جزو برنده‌ها باشند موجب گسترش خوبی‌ها می‌شود.

با ثبت تجربه‌های افرادی که به ضرر خود عمل می‌کنند موجب عبرت‌گیری از آنها می‌شود.

شعار اجرای برنامه

نکته زیر را به هر شیوه‌ای که می‌دانید در محیط زندگی خود تبلیغ نمایید.

... وَأَمْسِكْ عَنْ طَرِيقِ إِذَا خُفَّتْ ضَالَّتَهُ فَإِنَّ الْكَفَّ عِنْدَ حَيْرَةِ الضَّلَالِ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْأَهْوَالِ ...^۵

و خود را از قرار گرفتن در راهی که از گمراهی در آن می‌ترسی باز دار، که هنگام سرگردانی گمراهی، باز ایستادن بهتر است تا در کارهای بیمناک افتادن...

^۵ نهج البلاغه، نامه ۳۱